گفت و گو با یک جانباز شیمیایی

۱۱ تکه از بدنم در خرمشهر جاماند

■ سید محمد مشکوه الممالک

نفس هایش را می شود شمرد. کلمات بریده بریده و به سختی ادا می شوند تا روایتگر گوشه ای از حکایت رزمنده ای جانباز باشند که بر تخت بیمارستان خوابیده و گذشته ها را مرور می کند. بهبود نصیری اهل گیلان است و زخم ها و دردهای جامانده از جنگ او را به پایتخت کشانده است. ۶۸ ماه در کسوت بسیجی در جبهه حضور داشته و اعداد می گویند که او جانباز ۷۰ درصد است...و اعداد چقدر حقیرند برای به تصویر کشیدن رنج های او. اویی که هنوز خود را سرباز انقلاب و ولایت می داند و سختی ها و نامهربانی ها، دلش را شکسته اما نتوانسته در عزمش خللی ایجاد کند. اویی که با این کوله بار در نهایت می گوید؛ امیدوارم توانسته باشم دِین خود را به مملکت، امام و رهبرم ادا کرده و خداوند از من راضی و مرا بپذیرد.

***جناب نصیری چطور شد که به جبهه رفتید؟**

- حدود ۱۵ ساله بودم که دشمن به خاک و وطن ما تجاوز کرد، تکلیف خود دانستم تا از ولی امر خود اطاعت کرده و سینه ام را آماج گلوله های دشمن قرار دهم . حتی نمی توانستم فکر این را بکنم که آسایش و آرامش از هم وطنانم سلب شود. رفتیم تا خاری باشیم در چشم دشمنان.

ابتدا برای آموزش رفتیم به خاطر سن کم قبول نمی کردند که در شناسنامه دست بردم و بالاخره راهی شدم .مادرم ابتدا ممانعت می کرد و اجازه نمی داد،گفتم مادر جان! دشمن به دین و اعتقادات ما حمله کرده ما نباید کوتاهی کنیم. گفت یعنی تو می خواهی دل مادرت را بشکنی؟ گفتم دل مادرم شکسته شود بهتر است یا ولی امر و رهبرم از من ناراضی باشد؟! شما راضی هستی دین، شرف و ناموس ما در خطر باشد؟ بالاخره به هر طریقی شده رفتم. پوتین هایی که داده بودند برایم بزرگ بود من هم باگذاشتن جوراب در جلوی پوتین کاری می کردم که هنگام دویدن از پایم بیرون نیاید!

***از حال و هوای جبهه ها بگویید.**

- بنده ابتدا به مناطق غرب رفتم .در کردستان با توجه به وضعیت منطقه که کوهستانی بود، عملیات ها متفاوت و پیچیده تر از جنوب بود. شرایط جنگیدن خیلی سخت بود چون ما داخل دشمن بوده و از هر طرف آسیب پذیر بودیم. یادم نمی رود که خیلی راحت ، کنار جاده پاسداران و بسیجیان را سر می بریدند که من خودم دو بار چنین پیکرهایی را دیدم. داغ آنها بر دلم نشست و مطمئناً اگر من مجروح نمی شدم هیچ وقت از منطقه دست نمی کشیدم .

***به یاد ماندنی ترین خاطره تان؟**

- جبهه سر تاسر خاطره بود خاطره های تلخ و شیرین اما وقتی که خرمشهر را تصرف کردند از هیچ نامردی دریغ نمی کردند. به پیر و جوان، کوچک و بزرگ رحم نمی کردند. ما در موقعیتی مستقر بودیم و با دوربین چندتا از نظامی های دشمن که داشتند از مسیری می گذشتند را زیر نظر داشتیم تا اینکه به خانه ای رسیدند که دو بچه جلوی درخانه نشسته و ماشین بازی می کردند این ها آمدند با این بچه ها بازی کردند و ماشین ها را با پا می زدند ،بچه ها هم می رفتند و ماشین را آورده و جلوی پای این ها می گذاشتند تا بازی کنند بعداز چند دقیقه دیدیم این دو بچه را از یقه بلند کردند و آنقدر سر این دو را به هم کوبیدند که مغز بچه ها متلاشی شد و وقتی بچه ها را زمین گذاشتند دیگر جانی در بدن نداشتند. این قدر این ها پست و رذل بودند که به بچه ها هم رحم نمی کردند.ما هم در موقعیتی بودیم که نباید خود را نشان می دادیم.دیدن این صحنه برای ما بسیار دردناک بود و آن روز روز بسیار سختی بود. اما وقتی ما آنها را اسیر می گرفتیم می گفتیم امام ما گفته اگر اسیری به اسارت شما درآمد حتی به او سیلی نزنید چرا شما اینقدر نامردی می کنید؟ می گفتند به ما گفته اند نسل ایرانی باید برچیده شود که این خاطره بسیار دردناکی بود که من هروقت به یاد می آورم متأثر می شوم .

*** خاطرات خود را مکتوب کرده اید؟**

- بله بنده سال ۷۵ کتابی را نوشتم تحت عنوان« نخل سبز خرمشهر»که در آن صحبتهای آخر شهدا ،وصایا و خاطرات آن ها را جمع آوری کرده و به قلم تحریر درآوردم به این امید که دِین خود را نسبت به این عزیزان ادا کنم.

***چطور شد که مجروح شدید؟**

- من بالغ بر پنج بار مجروح شدم .مجروحیت تیر ،ترکش ،شیمیایی و موج انفجار. چندین بار از بیمارستان با لباس بیمارستانی فرار کرده و به جبهه بازگشتم.اما آخرین مجروحیتم مربوط به کربلای پنج بود که مسئول گردان عمل کننده آبی خاکی در کانال ماهی بودم . وقتی که آنجا را شیمیایی کردند من ۱۲ ساعت در منطقه مسموم بودم با توجه به این که مجروح نیز بودم ،گاز شیمیایی من را آزار می داد. در همان جایی که افتاده بودم همزمان یک توپ ۱۵۵ هم نصیب من شد و یادگاری هایی را بر بدن من گذاشت و من سالهاست که آهن پاره های جنگ را با خود حمل می کنم . سعادتی هم که در عملیات کربلای پنج نسبت به سایر عملیات ها داشتیم این بود که رمز عملیات به نام خانم فاطمه زهرا (س) بود و اغلب بچه هایی که مجروح یا شهید شدند از ناحیه پهلو بود. بعد از مجروحیت، استشمام گاز شیمیایی و ترکش های توپ ۱۵۵بنده را نیز به همراه شهدایی که در آن مکان بودند جمع کرده و فکر کردند من شهید شدم و ما را داخل کانتینر قرار دادند . چون شهدایی از آن مناطق اطراف هم بین بچه های ما بود، برابر دستور مسئولین جنگ قرار شده بود که اهالی مناطق بیایند شهدا را ببینند و آنهایی که می شناختند را معرفی کنند. من حدود سه روز در کانتینر شهدا بودم و شاید ۱۰-۲۰ نفر از همسنگران شهیدم روی سر من بودند! مجروحیت من خیلی زیاد بود و من را کاملاً در پلاستیک پیچیده بودند چون یک طرف بدنم باز شده و اجزای داخل شکمم بیرون ریخته بود. من بین شهدا بودم ولی مرا برگرداندند. هر روز دو مرتبه صبح و غروب در کانتینرها را باز کرده و خانواده هایی که در مسیر و مناطق اطراف بودند می آمدند و شهدا را شناسایی می کردند. همچنین مجروحین داخل بیمارستان که قادر به حرف زدن نبودند را نیز از لحاظ چهره شناسی یا بعضاً علامتی که روی بدن داشتند شناسایی می کردند.خلاصه به هر طریقی می آمدند شناسایی کرده و شهدا را می بردند.تا اینکه یک نفر به من مشکوک شده و چندین بار بدن مرا این طرف و آن طرف می کند ،همین طور که مرا تکان می داد یک دفعه چشم من باز شد آن فرد تا دید چشم من باز شده فریاد بلندی زد که صدای فریادش را شنیدم و دیگر چیزی متوجه نشدم. بعد از چندی به هوش آمدم که دیدم روی در نوشته اتاق عمل و من روی برانکارد هستم. خواستم تکان بخورم یا حرف بزنم که از شدت خونریزی نمی توانستم.وقتی مرا روی تخت عمل گذاشتند دکتری به سمتم آمد خودکار به جیبش بود اشاره کردم، خودکار را داد نوشتم من مجروح هستم ؟ گفت بله تو مجروح شدی و نباید حرف بزنی. نوشتم اگر می شود هر عضوی از بدنم که جدا شد را در بهشت حضرت رقیه خرمشهر به خاک بسپارید. پس از آن مرا عمل کرده و به سی سی یو انتقال دادند. غروب شد دیدم نوشته ای را آوردند دست خط خودم بود گفتم این را کجا نوشتم؟ گفتند در اتاق عمل برای دکتر نوشتی .یک سینی هم آورده بودند و با نوک قیچی اجزای بدنم را نشان می داد و می گفت این کلیه هست این تکه ای از روده است،این ...و یک به یک نشانم داد ۱۱ عضو از بدنم بود که آن ها را به بهشت حضرت رقیه خرمشهر برده و به خاک سپردند سنگی روی آن گذاشته و نامم را روی آن حک کردند. سال ۷۰که به خرمشهر رفتم به آنجا هم سری زده و برای خودم سر آن قبر فاتحه ای خواندم! اما بعد از آن به خاطر مجروحیت ،بیمارستان و درمان دیگر نتوانستم بروم.

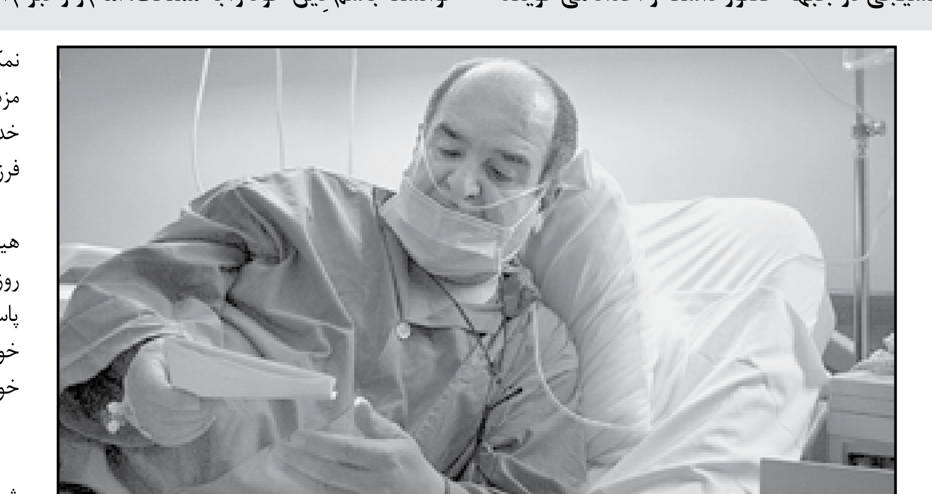

در این مدت که سی سی یو بودم آقایی می آمد، دور تخت من می چرخید و نوک انگشت پایم را می بوسید و می رفت.این کار خیلی مرا اذیت می کرد نه می توانستم حرف بزنم و نه حرکت کنم و مانع این کار شوم تا اینکه خواستم برایم کاغذ و قلمی بیاورند، وقتی آمد نوشتم خواهشی از تو دارم که این کار رانکن. او در مقابل فقط گریه کرد و رفت.

***بعداز مجروحیت چطور با زندگی عادی کنار آمدید؟**

من همیشه به خدا توکل کرده و شکرگزار بودم ، رضای خدا ارزش تحمل این همه سختی را دارد. مجروحیت هایی که من دارم مختلف است، هرقسمت را با داروهای مُسَکّن ساکت می کنم صدای ناراحتی قسمتی دیگری در می آید اما با همه این دردها من راضی به رضای خدا هستم. فقط گلایه ای داشتم که امیدوارم به گوش مسئولین برسد. متأسفانه عده ای هستند که بر سر سفره انقلاب نشسته اند و بهره برداری می کنند،آن ها نمکدان برداشته و بر زخم های ما نمک می پاشند . این مزد کسی نیست که دائم روی تخت بیمارستان است از خدا می خواهم که صبری جمیل به خانواده های ما، به فرزندان ما بدهد تا بتوانند تحمل کنند .

حقیقت اینکه ما از یک عده راضی نیستیم و هیچ وقت هم آنها را نمی بخشیم .یقین دارم که در روز قیامت شهدا در مواجهه با کسانی که از خون آنها پاسداری نکردند اندوهگین هستند و لباس های خونین خود را می آورند و می گویند چگونه می خواهید جواب خون های ما را بدهید.

***علت این نارضایتی شما در چیست؟**

- نارضایتی از وضعیت موجود است که در بستری شدن مشکل داریم ، من در تهران بستری شدم ، خانواده من در گیلان هستند ،چه کسی باید به ما رسیدگی کند،از طرفی وقتی آن جا هستیم داروهای را به موقع نمی رسانند این وظیفه کسانی است که مسئولیت گرفته اند تا به ما رسیدگی کنند.

پیش آمده که دکتر نسخه نوشته، مدیر کل درمان نامه زده برای استان گیلان که اگر این دارو نرسد من تا ۱۰ دقیقه بعد می میرم. چرا نباید این داروها در دسترس ما باشد. آن زمان که من به این دارو احتیاج دارم مسئولین حتی اگر بخواهند با هواپیما شخصی هم داروی من را بفرستند چطور می خواهند تا قبل از مردن من خود را برسانند. من جانباز شیمیایی هستم مشکلات ریوی شدیدی دارم. زمانی که تهران هستیم. برای دارو، نامه نوشته اند که شما چون جانباز گیلان هستید، بروید از گیلان دارو را بگیرید چرا که پرونده ات آنجاست. آیا من فقط جانباز گیلانم؟ جانباز این کشور نیستم!

دکتر من نوشته که باید این دارو را بخورم اما مسئولین چون قیمت داروی فرانسوی گران است داروی هندی برای ما خریداری می کنند که کیفیت پایینی دارد. ما هیچ توقعی نداریم جز اینکه برای درمان ما کم نگذارند ،کاخ سلطنتی و زندگی تجملی که نخواسته ایم. فقط می گوییم اگر این داروهای ما را به موقع برسانید عذاب کمتری می کشیم. خدا برای ما این طور مصلحت دانسته وگرنه ما شب و روز از خدا می خواهیم که خدایا ما را خلاص کن ما را به رفقایمان برسان ،این مصلحت خداست که ما بمانیم و گزارش کار دوستان را بالا ببریم. هر روز از درد میمیریم و زنده می شویم آیا این ما را بس نیست؟

درباره رسیدگی در استان ها باید خدمتتان عرض کنم که اگر مسئولین استانی به وظایف خود عمل کنند و اجرای عدالت و قانون را بر نظرهای شخصی خود ترجیح دهند این مشکلات به رسانه ها کشیده نمی شود. چرا نظارتی بر اجرای قوانین تصویب شده نیست .عده ای که مسئولیتشان رسیدگی به مشکلات ماست با وعده های انجام نشدنی و نمی دانم و نمی توانم بعضاً به ما بی حرمتی هم می کنند. حس برادری کم رنگ شده و سوء استفاده از فرصت ها جایگزین آن گردیده آن هم در لفافه ای از منطق!

لازم می بینم از مقام شریف قوه قضاییه سؤال کوتاهی بپرسم چرا احکام قطعی صادر شده از سوی دیوان عدالت اداری درباره معوقات ایثارگران اجرایی نمی گردد، مگر قانون برای همه یکسان نیست!؟

چرا هنگام دیدار با رئیس جمهور اکثراً جانبازهایی هستند که نمی توانند صحبت کرده و درد دل خود را بگویند. چرا امثال ما در این جلسات نیستیم تا مشکلات را بگوییم. من همه این حرف ها را گفتم چون ما دیگر چیزی برای از دست دادن نداریم.

من به دلیل عارضه شیمیایی نمی توانم در مجلس عزا یا عروسی شرکت کنم ،نمی توانم خرید بروم ،عطر گل خوشایند ترین بویی است که به مشام انسان می خورد ،اما این عطر گل هم برای ما سم است . دارو های مورد استفاده بنده دو جنبه دارد یک جنبه درمان و دیگری جنبه مُسکن دارد. متاسفانه داروهای ما اغلب خارجی است. لوازم آرایشی با ارز دولتی وارد کردن مهم تر است یا دارو و درمان ما؟ ۲۵ سال پیش ۷۰ درصد بدن ما آلوده به مواد شیمیایی ، تیر و ترکش شد که با گذشت زمان و بالارفتن سن ما عوارض هم بیشتر شد و الان هر مجروحیت ما شاید ۷۰ درصد باشد. این تحریم معنا ندارد.

***با توجه به مجروحیت و وضعیت فعلیتان آیا از راهی که رفته اید پشیمان نیستید؟**

- ۱۰ سال پیش با دست خط خودم نوشتم انگشت هم زدم که هرموقع من رفتم هر عضوی از بدنم که قابل استفاده است را به دیگران که نیاز دارند بدهند.

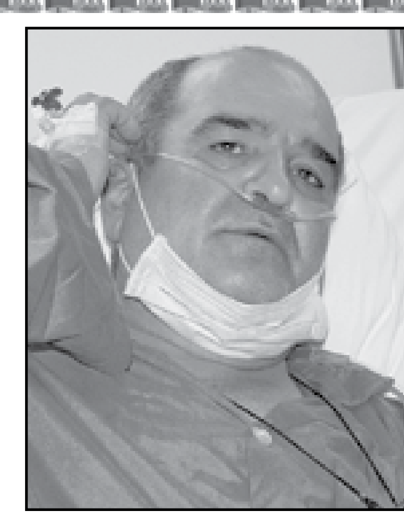

الان هم با همین وضعیت تا آنجا که توان در بدن دارم و نفس می کشم مطیع و دست به سینه رهبر عزیزم و پشتیبان ولایت هستم.هرجا هم نیاز باشد با تمام قوت می روم و این نیمه جانم را فدا می کنم. هیچ پشیمان نیستم، توکلم به خداست چراکه هدفی متعالی داشته ام که هنوز هم پای آن هستم .

من با خدا معامله کرده ام و از خدا می خواهم آنهایی که دست امثال ما را می گیرند، عاقبت به خیر کند و آنهایی که از وضعیت ما به پست و مقامی رسیده و حالا به کار ما رسیدگی نمی کنند را به خدا واگذار می کنم.

***از خانواده تان بگویید چطور با این سختی ها کنار آمده اند؟**

خانواده عادت کرده اند و با مهربانی تحمل می کنند. الحمدلله زمانی که می خواستم ازدواج کنم در همان ایام جنگ خانواده ای نصیب ما شد که موقعیت مرا درک کردند و با اینکه گفتم شاید بروم و دیگر برنگردم باز نیز بنده را پذیرفتند و ازدواج ما صورت گرفت. دو فرزند دارم .یک دختر و یک پسر که کمتر از یک سال با هم تفاوت سنی دارند.دخترم زهرا خانم تماس گرفته بود که چند سوره حفظ کردم و خواندم برای سلامتی شما، پسر کوچکم هم چند دقیقه پیش تماس گرفت نامش حاج عباس است سعادت داشت و در سن کم عمره و تمتع نصیبش شد ، نیمی از جزء سی را حفظ است امسال به پیش دبستانی می رود. زنگ زد و می گفت بابا ،من برای شما قرآن زیاد خواندم ، دعا هم کردم فقط خواستی برگردی مراقب باش باران می آید نگرانم خیس بشی.

***حرفی بوده که دوست داشته باشید بگویید؟**

اول همین گلایه ای بود که از مسئولین داشتم که عرض کردم .مطلب دیگر مربوط به بحثی است در رابطه با مطرح کردن انتخابات آزاد است،بنده با توجه به اینکه بیشتر وقت خود را صرف مطالعه می کنم تا درد را هم فراموش کنم می خواهم مطالبی را در این باره بگویم.

این بحث انتخابات آزاد خیلی خطرناک است با توجه به اینکه دو انتخابات پیش رو داریم انتخابات ریاست جمهوری و شوراها،و از آن جا که این ها به برخی از اهدافی که در فتنه سال ۸۸ داشتند دست پیدا نکردند، می خواهند از این طریق ضربه اساسی بزنند.

عده ای آمدند فتنه ۸۸ را برپا کردند این ها فتنه گر نبودند بلکه سران فتنه بودند. این سران فتنه شکست خورده های سیاسی هستند وچون فقط منافع شخصی خود را در نظر می گیرند و با اصل قانون اساسی و نظام ما مخالف هستند می خواهند خون و ایثارگری شهدای ما را لگد مال کنند. امروز هم برخی شعار انتخاب آزاد را بیان می کنند. انتخابات در کشور ما آزاد، روشن و واضح است و این مردم هستند که انتخاب می کنند.

آگهی فراخوان مناقصه عمومی (نوبت دوم)

اداره کل نوسازی مدارس استان سیستان و بلوچستان

اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان سیستان‌وبلوچستان درنظر دارد **خرید تجهیزات فن‌آوری نوین و کلاسی مدارس سطح استان** را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای خریداری نماید. علاقه‌مندان به شرکت در مناقصه می‌توانند جهت خرید اسناد مناقصه و دریافت مشخصات فنی اقلام از تاریخ درج آگهی به مدت یک هفته با در دست داشتن معرفی‌نامه و فیش بانکی به مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ریال به شماره حساب ۲۱۷۰۰۹۲۶۹۱۰۰۱ بانک‌ملی شعبه خزانه به دستگاه مناقصه‌گزار زاهدان- کوی قدس- خیابان شهید چمران اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان- واحد قراردادها و یا به سایت:
(پورتال نوسازی مدارس استان سیستان‌وبلوچستان) www.nosazimadares.ir
www.iets.mporg.ir مراجعه نمایند.

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه طبق جدول ذیل در هر ردیف که به صورت وجه نقد به حساب شماره سیبا ۲۱۷۳۰۶۲۶۱۱۰۰۳ بانک‌ملی زاهدان واریز یا ضمانتنامه بانکی که برای مدت سه ماه از تاریخ فروش اسناد تا آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها معتبر و تا مدت سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد. ضمناً تاریخ تحویل اسناد تا پایان وقت اداری ۹۱/۱۲/۱۳ و تاریخ بازگشایی پاکات ساعت۹ صبح مورخ۹۱/۱۲/۱۴ اعلام می‌گردد.

ردیف	نوع کالا	تعداد	قیمت کل	مبلغ تضمین
۱	دیتا پروژکتور	۳۱۰	۵/۵۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۷۹/۰۰۰/۰۰۰
۲	لپ‌تاپ	۲۴۰	۴/۳۲۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۱۶/۰۰۰/۰۰۰
۳	برد هوشمند	۱۰۰	۱/۶۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۸۲/۵۰۰/۰۰۰

روابط عمومی اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان سیستان‌وبلوچستان

آگهی فراخوان مناقصه عمومی نوبت(اول)

اداره‌کل نوسازی مدارس استان سیستان و بلوچستان

اداره‌کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان سیستان و بلوچستان در نظر دارد پروژه‌های مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای که برآورد پروژه‌ها براساس فهرست بهاء ابنیه و تاسیسات برقی و مکانیکی سال ۱۳۸۸ و رعایت بخشنامه ۱۰۰/۶۴۰۵ مورخ ۸۹/۲/۴ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور می‌باشد به اجرا درآورد.

علاقمندان به شرکت در مناقصه می‌توانند به سایت: **www.iets.mporg.ir** مراجعه و جهت خرید اسناد مناقصه از تاریخ درج آگهی به مدت یک هفته با در دست داشتن گواهی تشخیص صلاحیت و فیش بانکی به مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۲۱۷۰۰۹۲۶۹۱۰۰۱ بانک ملی شعبه زاهدان (خزانه) به دستگاه مناقصه‌گزار زاهدان- کوی قدس- خیابان شهید چمران اداره‌کل نوسازی توسعه و تجهیز مدارس استان (واحد قراردادها) مراجعه نمایند.

ضمناً تضمین شرکت در مناقصه به صورت وجه نقد به حساب شماره سیبا ۲۱۷۳۰۶۲۶۱۱۰۰۳ بانک ملی زاهدان واریز یا ضمانتنامه بانکی که برای مدت سه ماه از تاریخ فروش اسناد تا آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها معتبر و تا مدت سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد. ضمناً تاریخ تحویل اسناد تا پایان وقت اداری ۹۱/۱۲/۱۴ و تاریخ بازگشایی پاکات مناقصه ۹۱/۱۲/۱۵ اعلام می‌گردد.

ردیف	عنوان پروژه	محل اجرا	مبلغ برآورد (ریال)	مدت اجرا (ماه)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)
۱	تکمیل و بازسازی مدرسه ۱۴ کلاسه زابل	زابل	۳/۳۶۹/۸۴۶/۴۲۵	۶	۱۶/۶۱۰/۰۰۰

روابط عمومی اداره‌کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان سیستان و بلوچستان

مناقصه شماره ۹۱/۵۱

(نوبت دوم)

شرکت مخابرات استان یزد
سهامی خاص

شرکت مخابرات استان یزد در نظر دارد تامین ۵۶ دستگاه خودرو سبک با راننده جهت انجام امور شهری و بین شهری و برون استانی به شرح و کیفیت مندرج در اسناد مربوطه را از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید. از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط و تشخیص صلاحیت شده توسط مراجع ذیربط دعوت می‌شود پس از واریز مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به حساب جام شماره ۱۶۴۴۴۴۴۴۷۲ بانک ملت شعبه مرکزی یزد با شناسه ۳۴۰۰۰۸۰۲۶۸۱۲۹ بنام شرکت مخابرات استان یزد اقدام و حداکثر تا تاریخ ۹۱/۱۲/۹ در وقت اداری به واحد قراردادهای این شرکت واقع در میدان امام‌حسین(ع) ساختمان مرکز امام‌حسین مراجعه و با ارائه فیش بانکی اسناد مناقصه را دریافت و پس از تکمیل، آنها را مهر و امضاء نموده و به ضمیمه پیشنهاد خود و سایر مدارک حداکثر تا تاریخ ۹۱/۱۲/۲۱ به دبیرخانه این شرکت واقع در ساختمان مذکور تحویل و رسید اخذ نمایند.

مدارک لازم:

۱- تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۳۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بصورت ضمانتنامه بانکی یا چک بانکی تضمینی یا واریز وجه نقد به حساب جام شماره ۱۶۴۴۴۴۴۴۷۲ بانک ملت شعبه مرکزی یزد با شناسه ۳۴۰۰۰۸۰۲۶۷۱۸۱ بنام شرکت مخابرات استان یزد. ۲- اسناد مناقصه

قابل توجه شرکت‌کنندگان:

* به پیشنهادهای مبهم، فاقد امضاء، مشروط، فاقد سپرده، با سپرده مخدوش، با سپرده کمتر از میزان مقرر، با چک شخصی و نظایر اینها و همچنین پیشنهادهایی که بعد از زمان مقرر در آگهی واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

* هرگونه FOC در LOP ممنوع بوده و درنرخ پیشنهادی، باید ارزش قیمت تخفیف و موارد رایگان در کل اجزاء مناقصه سرشکن شود.

* در صورت درج آگهی در روزنامه استانی ملاک زمان توزیع اسناد و تحویل آنها به دبیرخانه این شرکت تاریخ چاپ در روزنامه کثیرالانتشار سراسری می‌باشد.

* این مناقصه دو مرحله‌ای بوده و **گشایش پاکت‌ها در تاریخ ۹۱/۱۲/۲۲** در محل کمیسیون معاملات شرکت به نشانی - یزد - میدان امام‌حسین(ع) ساختمان مرکزی شرکت مخابرات استان یزد طبقه همکف می‌باشد.

تلفن پاسخگویی ۷۲۳۳۰۱۲ - WWW.yazdtelecom.ir

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت تعاونی اعتبار کارکنان سازمان ملی جوانان

بدینوسیله از کلیه اعضاء محترم شرکت تعاونی اعتبار کارکنان سازمان ملی جوانان دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در روز دوشنبه مورخ۹۱/۱۲/۱۴ از ساعت ۱۴:۳۰ الی ۱۶ در سالن اجتماعات ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان برگزار می‌گردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده: ادغام یا انحلال شرکت برابر ابلاغیه بانک مرکزی و تعاونی استان تهران

هیئت‌مدیره شرکت تعاونی اعتبار

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت تعاونی اعتبار کارکنان سازمان ملی جوانان

بدینوسیله از کلیه اعضاء محترم شرکت تعاونی اعتبار کارکنان سازمان ملی جوانان دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی این شرکت که در روز دوشنبه مورخ ۹۱/۱۲/۱۴ از ساعت۹:۳۰ الی ۱۱صبح در سالن اجتماعات ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان برگزار می‌گردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی: گزارش هیئت‌مدیره و بازرس، طرح تصویب صورت مالی سالهای ۹۰ و ۹۱ گزارش تغییرات اعضاء و سرمایه شرکت

هیئت‌مدیره شرکت تعاونی اعتبار

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای علی صالح پیرمردوند چگینی دارای شناسنامه شماره ۱۴۳ به شرح دادخواست به کلاسه -------- از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان قهرمان پیرمردوند چگینی به شناسنامه ۵۳ در تاریخ ۱۳۶۲ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱- علی صالح پیرمردوندچگینی فرزند قهرمان ش‌ش ۱۴۳ فرزند ذکور
۲- ربابه زندبار فرزند قهرمان ش‌ش ۱۱۱ فرزند اناث
۳- خانم وسیله زندبار فرزند فغانعلی ش‌ش ۱۴۵ همسر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی شعبه اول شورای حل اختلاف شهر کوهین

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای ملکعلی اسدالهی دارای شناسنامه شماره ۱۶ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۱۰۳۸۶ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان یحیی اسدالهی به شناسنامه ۳۹۸ در تاریخ ۸۹/۲/۲۸ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱- ملکعلی اسدالهی ش‌ش ۱۶ پسر
۲- علی اسدالهی ش‌ش ۱۵۱۲ پسر
۳- فتحعلی اسدالهی ش‌ش ۱۱ پسر
۴- خدیجه اسدالهی ش‌ش ۱۱۳۹ دختر
۵- زهرا اسدالهی ش‌ش ۱۵۱۳ دختر

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

خمسه- قاضی شعبه۲۷ شورای حل اختلاف شهر قزوین

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای شهرام عابدی دارای شناسنامه شماره ۳۰ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۱۰۲۷۷ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان باقر عابدی به شناسنامه ۶ در تاریخ ۹۱/۱۰/۸ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱- شهرام عابدی ش‌ش ۳۰ پسر
۲- شاهین عابدی ش‌ش ۵-۰۲۴۸۲۲-۴۳۱ پسر
۳- ربابه عابدی ش‌ش ۲۴۷ همسر
۴- عاتقه عابدی ش‌ش ۹ مادر

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

خمسه- قاضی شعبه۲۵ شورای حل اختلاف شهر قزوین

«آگهی فراخوان» نوبت دوم

در نظر است سه قطعه زمین در شهرستان‌های یزد، مهریز و تفت به صورت اجاره (بدون شرط تملیک) به شرح ذیل واگذار شود لذا بدین‌وسیله از کلیه دارندگان مجوزهای مربوطه دعوت به عمل می‌آید ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آخرین آگهی جهت دریافت مدارک به دفتر مدیریت املاک و حقوقی این اداره کل واقع در خیابان آیت‌الله کاشانی، خیابان مسکن و شهرسازی ساختمان شماره دو اداره کل راه و شهرسازی مراجعه فرمایند.

ردیف	قطعه	پلاک	مساحت	کاربری	نحوه واگذاری
۱	۱۰۱	۷۱۳ بخش ۸ یزد	۴۰۰۰ مترمربع	تأسیسات شهری	اجاره سه ساله
۲	-	۱۱۰۵۰ بخش ۳۴ (مهریز)	۵۰۰۰/۷۵ مترمربع	مرکز معاینه فنی وسایل نقلیه سنگین	اجاره پنج ساله
۳	قطعه ۶-۳-۴ -۱۰-۹	۵۱۵۷ بخش۶ (سفیدکوه تفت)	۴۸۹/۴۳ ۳۶۴/۲۵ ۴۵۱/۳۷ ۱۰۴۰ ۴۵۱/۸۷	کارگاهی	اجاره پنج ساله

غلامرضا رضایی- مدیرکل

آگهی تمدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی از پلاک۱/۳۱۴ به علت عدم حضور به عمل نیامده است بنا به تقاضای آقای محمدباقر احدی و غیره؛ تحدید حدود پلاک مذکور درتاریخ۹۱/۱۲/۲۳ ساعت ۹ صبح در محل وقوع ملک به وسیله نماینده و نقشه‌بردار این اداره به عمل خواهد آمد. بدین‌وسیله به مالکین مجاور و صاحب حقوق ارتفاقی پلاک فوق اخطار می‌شود که درموعد مقرر در محل حضور یابند و در صورت عدم حضور و داشتن اعتراض می‌توانند ازتاریخ تنظیم صورتجلسه تحدیدی به مدت۳۰ روز اعتراض خود را طبق ماده ۲۰ قانون ثبت به این اداره تسلیم و معترض بایستی ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع قضائی ذیصلاح تقدیم و گواهی لازم را از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نماید درغیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی می‌توانند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به این اداره تحویل نمایند. عملیات ثبتی بدون توجه به اعتراض با رعایت مقررات ادامه می‌یابد. ضمنا با توجه به ماده ۱۷ قانون ثبت چنانچه بین متقاضی و دیگران قبلا دعوایی در مراجع قضایی اقامه شده باشد گواهی طرح دعوی از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند والا حق آنان ساقط خواهد شد.

تاریخ انتشار ۹۱/۱۱/۲۹

عبداله بیگدلی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ابهر

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای ناصر آقایی وکیل مالک آقای نوری اله‌سالار زهی طی وکالتنامه شماره ۱۲۳۲۷ مورخ ۹۱/۱۱/۳ دفترخانه ۶۰ زاهدان به استناد دو فقره استشهادیه محلی به وارده شماره ۲/۱۲۶۸۷۵ مورخ ۹۱/۱۱/۱۷ در خصوص پلاک ۱/۴۸۸ -اصلی واقع درگلشهر جنوبی بخش دو بندرعباس مدعی شده است که سند مالکیت ششدانگ زمین بشماره چاپی‌های ۲/۳۹۳۲۰۷ نمونه ۳۳۴ و ۲/۳۹۳۳۰۹ نمونه ۳۳۴ و ۲/۳۹۴۳۰۸ نمونه ۳۳۴ که در صفحات ۸۸، ۹۴ و ۹۱ دفتر ۳۲ محلی ذیل ثبت شماره‌های ۶۰۵۲ و ۶۰۵۴ و ۶۰۵۳ و به علت جابجایی مفقود گردیده است و نامبرده تقاضای صدورسند مالکیت المثنی نموده است لذا باستناد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه اصلاحی و تبصره ذیل آن بدینوسیله اعلام می‌شود هر کس مدعی انجام معامله نسبت به پلاک مذکور و وجود اصل سند مالکیت در نزد خودمی‌باشد بایستی ازتاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خودرا ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم و رسید اخذ نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی مذکور و عدم وصول اعتراض و یا وصول اعتراض و عدم ارائه سند نسبت به صدورسند مالکیت المثنی به نام متقاضی اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۹۱/۱۱/۲۹

اسمعیل ربیعی‌نژاد
سرپرست اداره ثبت اسنادو املاک شهرستان بندرعباس

آگهی تاسیس شرکت مجتمع تفریحی گردشگری آمیتیس مینودر قزوین (با مسئولیت محدود)

شرکت فوق در تاریخ ۹۱/۱۱/۵ تحت شماره ۱۲۵۸۷ و شناسه ملی ۱۰۵۷۰۰۲۷۴۵۸ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۹۱/۱۱/۵ از لحاظ امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح ذیل جهت اطلاع عموم در روزنامه رسمی آگهی می‌شود:

۱- موضوع شرکت: احداث، مدیریت، بهره‌برداری و اجاره پروژه‌هایی تحت عنوان مراکز اقامتی پذیرایی، تفریحی شامل انواع هتل، متل، مهمانسرا، هتل‌آپارتمان، مهمانپذیر، سفره‌خانه سنتی، رستورانهای واقع در واحدهای مذکور، مجتمع‌های سیاحتی و تفریحی و دیگر واحدهایی که به قصد ارائه خدمات و انتفاع برای پذیرایی و اقامت مسافران و گردشگران طبق قوانین و مقررات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و استفاده از تسهیلات بانکی به منظور ایجاد مجتمع مذکور.
۲- مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.
۳-مرکز اصلی شرکت: استان قزوین- شهر قزوین غیاث‌آباد شهرک شهید رجایی کوچه ۱۴ سعادت پلاک ۱۶، کدپستی ۳۴۱۴۸۶۶۵۵۲
۴- سرمایه شرکت: مبلغ یک میلیارد ریال نقدی می‌باشد.
۵-اولین مدیران شرکت:
۱-۵- خانم پروین درویشوند به شماره ملی ۲۶۵۹۶۶۴۶۳۳ به سمت رئیس هیئت مدیره
۲-۵- آقای محمود درویشوند به شماره ملی ۴۳۲۰۹۲۶۵۵۲ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره به مدت نامحدود انتخاب گردیدند.
۶- دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت با امضای مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت و اوراق عادی با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه

حسن غلامحسینی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک قزوین

کد درخواست: ۱۸۰۵۲۶۹

آگهی تغییرات شرکت نیکان نفیس پرشین سهامی خاص به شماره ثبت ۴۰۷۹۳۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۵۸۵۸۸۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

۱ - کلیه سرمایه تعهدی شرکت توسط صاحبان سهام پرداخت گردیده است.

در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۱۳ ذیل دفتر ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تایید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری واحد ثبتی تهران

م الف ۹۹۱۴۲

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول روبرو نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به **حساب ۰۱۰۶۷۱۳۵۹۵۰۰۹(سیبا)** بانک ملی شعبه سعدی جنوبی کد۶۹ به نام مؤسسه کیهان (آقای حسین شریعتمداری) و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به **صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

توجه:
۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار میشود.
۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتماً نزد خود نگهداری نمائید.
۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت شده، نشریه مورد تقاضا ارسال میگردد.
۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هرکدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۷۸۰۰۰۰	۳۹۰۰۰۰	۱۹۵۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۲۳۴۰۰۰	۶۱۷۰۰۰	۳۰۸۵۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۲۳۴۰۰۰	۶۱۷۰۰۰	۳۰۸۵۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۲۳۰۰۰۰	۱۱۵۰۰۰	۵۷۵۰۰
مجله کیهان ورزشی	۴۳۰۰۰۰	۲۱۵۰۰۰	۱۰۷۵۰۰
مجله زن روز	۴۳۰۰۰۰	۲۱۵۰۰۰	۱۰۷۵۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۱۲۵۰۰۰	----	----
مجله کیهان کاریکاتور	۱۵۴۰۰۰	----	----

فرم تقاضا

نام:.......... نام خانوادگی:.......... نوع نشریه:.......... تعداد نسخه:.......... مدت:..........
مبلغ پرداختی: ....ریال نام و کد شعبه: ....شماره فیش بانکی: .... تلفن: ....
آدرس ....
.... کد پستی: ....
شماره اشتراک امضاء

امور مشترکین مؤسسه کیهان

تلفن: ۹-۳۳۱۱۰۲۵۱ داخلی ۲۳۲۲ نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲ ایمیل: int-affairs@kayhannews.ir